

حق بر محیط زیست از منظر حقوق بشر بین المللی و اسلام

تاریخ دریافت
۱۳۹۳/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش
۱۳۹۴/۳/۲۰

محسن قدیر^۱

فصلنامه پژوهش حقوق بشر بین المللی و حقوق بشر
سال دوم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۴

چکیده

همواره طبیعت از مهم ترین ارکان حیات بشری به شمار آمده است. از این رو، احترام به محیط زیست در همه ی ادوار تاریخی مطمح نظر بوده است. ابتدا در حقوق بین الملل معاصر سعی بر حمایت از محیط زیست شده که در قالب حقوق بین الملل محیط زیست تبلور یافت اما عدم کفایت این حمایت و ضرورت حفاظت از محیط زیست برای انسان امروز و نسل های آینده، ایجاد پیوند میان محیط زیست و حقوق بشر مورد توجه قرار گرفت، زیرا حمایت قانونی از حقوق بشر می تواند وسیله ای جهت نیل به صیانت از محیط زیست باشد. از این رو، در چارچوب نسل سوم حقوق بشر حق جدیدی به نام حق بر محیط زیست در اسناد بین المللی حقوق بشری شکل گرفت که در آن محیط زیست به عنوان یک حق انسانی مطرح شده است. از منظر اسلام به عنوان یک دین جامع و کامل میان انسان و طبیعت رابطه وجود دارد. در تعالیم اسلامی طبیعت در اختیار انسان ها قرار گرفته تا از آن بهره برداری معقول نمایند و از اتلاف و نابودی آن خودداری نمایند. چنین حقی در قرآن کریم شناسایی شده و از جنبه های مختلفی به آن پرداخته شده است و توصیه شده که از طبیعت به عنوان امانتی الهی استفاده نمایند و حق آیندگان رعایت شود.

واژگان کلیدی: اسلام، حقوق بین الملل محیط زیست، اسناد بین المللی حقوق بشر، حقوق همبستگی، حق بر محیط زیست.





مقدمه

تدوین مفاهیم حقوق بشری به خاطر تلاش‌هایی است که بعد از جنگ جهانی دوم و تصویب منشور ملل متحد و تأسیس سازمان ملل متحد صورت گرفت. اولین گام در این مسیر شکل‌گیری اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ میلادی است، بعد از آن با تصویب میثاق حقوق مدنی و سیاسی «نسل اول حقوق بشر»^۱ و با تصویب میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، «نسل دوم حقوق بشر»^۲ شکل گرفتند. امروزه با توسعه مفاهیم حقوق بشری در کنار نسل‌های اول و دوم حقوق بشر، نسل سوم حقوق بشر^۳ با عنوان «حقوق همبستگی»^۴ در جامعه بین‌المللی مطرح شده است که پیوند مستحکمی با فردی شدن حقوق بین‌الملل دارد (گروه صلح، کرسی حقوق بشر، ۱۳۸۹: ۹۷).

براساس مفاهیم شکل گرفته در قالب نسل سوم، با نگرشی جدید مفاهیمی چون صلح، توسعه و محیط‌زیست، که در گذشته به طور مستقل و بدون هیچ نسبتی با انسان ملاحظه می‌شدند، به عنوان یک حق انسانی مورد پذیرش قرار گرفتند. «حق بر محیط‌زیست»^۵ از جمله مصادیق نسل سوم حقوق بشر است، که به عنوان یکی از جلوه‌های حقوق همبستگی مطرح شده و جامعه بشری را ملزم به رعایت آن می‌نماید. با بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت، حیات انسانی در معرض خطر قرار می‌گیرد که در جهت حفظ حق انسانی بر محیط زیست باید از طبیعت بهره‌برداری معقول و منطقی صورت گیرد تا حیات انسانی محفوظ بماند. از دهه ۱۹۶۰ میلادی بود که دغدغه‌ی حفاظت از

1. First Generation
2. Second Generation
3. Third Generation
4. Solidarity Rights
5. Right to Environment





محیط‌زیست با رویکرد حقوق بشری و تحت عنوان حق بر محیط‌زیست شکل گرفت. برای اولین بار اعلامیه استکهلم در سال ۱۹۷۲ میلادی در اولین اصل خود به حق بر محیط‌زیست اشاره کرد (موسوی، ۱۳۸۰: ۳۵۹).

امروزه حق بر محیط‌زیست، در کنار حق بر صلح، حق بر توسعه و حق بر میراث مشترک بشریت به عنوان نسل سوم حقوق بشر شناسایی شده است. نسل سوم حقوق بشر، حقوق برادری نیز نامیده می‌شود. اما براساس پیش‌نویس میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی که در سال ۱۹۸۲ میلادی توسط سازمان ملل تهیه شد، اصطلاح حقوق همبستگی بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد (سیدفاطمی، ۱۳۸۸: ۵۵).

اسلام به عنوان دین جامع که نیازهای بشری را در نظر گرفته است، طبیعت را در تسخیر انسان و متعلق به انسان دانسته که انسان باید همانند یک امانت از آن استفاده‌ی صحیح نماید و آن را به طور سالم به نسل‌های آینده انتقال دهد.

در این مقاله ابتدا به بررسی حق بر محیط‌زیست از منظر حقوق بشر بین‌المللی می‌پردازیم و سپس این حق را از منظر اسلام مطالعه می‌نماییم.

۱. حق بر محیط‌زیست از منظر حقوق بشر بین‌المللی

۱-۱. بررسی پیشینه حق بر محیط‌زیست

قبل از شکل‌گیری حق بر محیط‌زیست، «حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»^۱ مطرح شد که به معنای مجموعه قواعد بین‌المللی است که موضوع آن پیشگیری از آلودگی و حفاظت از محیط‌زیست است (Birnie, 1993: 3). رشد واقعی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی آغاز گردیده است، از این زمان به بعد حقوق محیط‌زیست بیشتر جنبه‌ی بین‌المللی پیدا نموده و به عنصری قوی در تحول مفاهیم بنیادین حقوق بین‌الملل تبدیل شده است به گونه‌ای که در نهایت در قالب یک حق انسانی به عنوان حقوق همبستگی و نسل سوم حقوق بشر تبلور یافت (امیرارجمند، ۱۳۷۴: ۳۲۷).





از ژوئن ۱۹۷۲ میلادی با برپایی کنفرانس استکهلم به عنوان نقطه عطفی در توجه به مسایل محیط زیست بشر این حقوق توسعه یافت (تقی زاده انصاری، ۱۳۸۴: ۱۵۶). در اعلامیه رسمی کنفرانس مزبور حق بر محیط زیست یعنی داشتن محیط زیستی سالم هم چون آزادی و برابری از حقوق بنیادین انسان ها تلقی شد.

بعد از حقوق مدنی و سیاسی [حقوق آزادی] و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی [حقوق برابری]، حقوق همبستگی [حقوق برادری] به عنوان سومین نسل حقوق بشر تلقی گردیده است. حق بر محیط زیست توسعه یافته ترین شاخه ی حقوق همبستگی بوده و تاکنون در قانون اساسی بیش از چهل کشور از جمله ایران به رسمیت شناخته شده است. این نسل از حقوق بشر ضمن داشتن خصوصیات دو نسل گذشته، بدون مشارکت همه [فرد، دولت، نهادهای دولتی و خصوصی، جامعه بین المللی] نمی تواند تحقق یابد (امیرارجمند، ۱۳۷۴: ۳۲۸).

ماده نخست اعلامیه استکهلم بیان می داشت که «انسان در محیطی که به او اجازه ی زندگی همراه با کرامت و رفاه را می دهد، از حقوق بنیادینی نسبت به آزادی، مساوات و شرایط مناسب زندگی برخوردار است و مسؤولیت حفظ و بهبود محیط زیست برای نسل حاضر و نسل های آینده را بر عهده دارد. مقدمه اعلامیه به نسبت میان حفظ محیط زیست و حق حیات توجه می نماید و سعی در ایجاد سازش میان رویکردهای انسان محور و طبیعت محور دارد. مطابق بخشی از مقدمه «هر دو جنبه ی محیط زیست انسانی، طبیعی و مصنوعی، برای رفاه بشر و بهره وری کامل او از حقوق بنیادین بشری، حتی حق حیات ضروری است» (مشهدی، ۱۳۹۲: ۶۴).

بعد از اعلامیه استکهلم یکی از رویدادهای مهم حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق بشر در این دوره تاریخی، تصویب منشور جهانی طبیعت^۱ به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اکتبر ۱۹۸۲ میلادی به شمار می آید. گرچه این منشور یک متن حقوقی غیر





الزام آور است، لکن تأثیراتی اساسی در حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق بشر بر جای گذاشته است (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۲۸).

نسل سوم حقوق بشر، یعنی حقوق همبستگی، بعد از منشور جهانی طبیعت به تدریج در سطح جامعه بین المللی مورد پذیرش قرار گرفته است. اگر چه تاکنون همانند میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در قالب اسناد الزام آور حقوقی عرضه نشده است. از جمله اسناد در این خصوص بیانیه اجلاس ریودوژانیرو در ۱۹۹۲ میلادی می باشد که ضمن تأکید بر بیانیه استکهلم به طور عام به موضوع توسعه پایدار پرداخته است. از نظر حقوقی بزرگ ترین دستاورد این بیانیه، گشودن راه تغییر مکان از حقوق بین الملل محیط زیست به حقوق بشر می باشد. به عنوان مثال اصل اول بیانیه تصریح می کند انسان ها موضوع اصلی هر گونه توسعه هستند، برخورداری از سلامت و توانایی های جسمی و روحی جزء حقوق انسان ها در انطباق با طبیعت می باشند. این مطلب در بیانیه هزاره [نیویورک] ۲۰۰۰ میلادی، بیانیه ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ میلادی و در بیانیه کنفرانس ریو + ۲۰، ۲۰۱۲ میلادی مورد تأکید قرار گرفته است (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۱۶۵-۱۶۶).

۲-۱. بررسی نسل های سه گانه حقوق بشر

در این قسمت نسل های سه گانه ی حقوق بشر به شرح ذیل بررسی خواهند شد: نسل اول، حقوق مدنی و سیاسی؛ نسل دوم، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ و نسل سوم حقوق همبستگی.

۱-۲-۱. نسل اول حقوق بشر

نسل اول حقوق مدنی و سیاسی را در بر دارد. این دسته از حقوق که مشتمل بر آزادی های بنیادین فردی و از نظر ماهوی مستلزم عدم مداخله ی دولت در حریم آنها از یک سو و منع کننده ی برخی اعمال و اقدامات برای دولت ها و نهادها و مقامات دولتی از سوی دیگر هستند، حقوق نسل اول یا حقوق منفی یا سلبی نامیده می شوند. دلیل منفی و سلبی نامیده شدن این حقوق، ماهیت سلب کننده ی آنهاست که انجام برخی اقدامات را برای دولت منع می سازد و مداخله در آن را نامشروع می نماید. این حقوق، به لحاظ غیر اعطایی بودن یعنی عدم نقش آفرینی دولت ها در اعطای آنها به شهروندان خویش و داشتن



نقش صرف اعلامی، تنها در صورتی از شرایط تمتع و استیفا برخوردار می‌شوند که دولت به حریم آن‌ها وارد شود و از برخی عملکردهای خودسرانه خودداری ورزد (گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و...، ۱۳۸۹: ۹۱).

این نسل ریشه در مکتب لیبرالیزم و آزادی‌خواهی دولت‌های غربی دارد و اساساً مربوط به آزادی‌های بزرگی هم‌چون عقیده، بیان، اجتماع و مشارکت، ضمانت‌های قضایی مربوط به بی‌گناه بودن اشخاص تا زمان اثبات جرم و منع عطف به‌ماسبق شدن قانون و حقوق سیاسی است. چنین هنجارهایی از زمان انقلاب‌های قرن هیجدهم به خصوص انقلاب کبیر فرانسه پا گرفت و در قالب‌های مدرن امروزی به خصوص در متون حقوقی این عصر شکل پیدا کرد (ذاکریان، ۱۳۸۱: ۴۳).

۱-۲-۲. نسل دوم حقوق بشر

نسل دوم که مشتمل بر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و گاهی «حقوق مثبت اجتماعی یا ایجابی» گفته می‌شود، ناظر بر حقوقی هستند که نه تنها خودداری دولت از اقدامات مغایر با آن‌ها را ضروری می‌سازند بلکه به صرف خودداری دولت از انجام برخی اقدامات اکتفا نکرده و دولت را به انجام برخی اقدامات در جهت فراهم شدن زمینه‌های تحقق و استیفای کامل آن‌ها یعنی حقوق مثبت وادار می‌کنند.

نسل دوم که به حقوق رفاهی نیز شهرت دارد ریشه در مطالبات اشخاص و گروه‌های اجتماعی به خصوص گروه‌های کارگری دارد. در عرصه حقوق بشر برخی از حقوق اقتصادی و اجتماعی مانند حق تأمین اجتماعی، کار و سطح مناسب از زندگی و آموزش که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ بر شمرده شده است، در این گروه جای می‌گیرد. این حقوق پس از جنگ جهانی دوم با اعمال نفوذ کشورهای سوسیالیست در اعلامیه جهانی حقوق بشر گنجانده شد و در قالب سندی حقوقی به نام میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شکل گرفت (ذاکریان، ۱۳۸۱: ۴۳ و ۴۴).

۱-۲-۳. حقول نسل سوم

نسل سوم که حقوق جمعی نیز تلقی می‌شوند، بر حقوق فردی و جمعی و در عین حال تکلیف افراد و کلیه‌ی تشکلات دلاله دارد، حقوقی که واجد اوصاف هر دو نسل اول و





دوم حقوق بشری از حیث قابل اقامه بودن در برابر دولت و قابل مطالبه بودن از دولت می‌باشند. بازتاب ایجاد نسل سوم حقوق بشر ایجاد علقه و ارتباط میان نسل‌های اول و دوم است. در جهت نزدیکی نسل اول و دوم و در جهت پاسخ‌گویی به کاستی‌های نسل اول و دوم، نسل سوم شکل گرفت. این فرآیند موجبات اعتقاد و ایمان جامعه بین‌المللی را به هر سه نسل حقوق بشر فراهم می‌آورد و حمایت جهانی از حقوق بشر را به همراه دارد (ذاکریان، ۱۳۸۱: ۷۴).

مصادیق نسل سوم حقوق بشر براساس پیش‌نویس میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی ۱۹۸۲ میلادی سازمان ملل، مشتمل بر چهار حق یعنی، حق بر صلح، حق بر توسعه، حق بر محیط‌زیست و حق بر میراث مشترک بشریت می‌باشند. حقوق متعلق به این نسل دارای دو وجه مشترک زیر هستند:

۱. نه ناشی از سنت فردگرایی نسل او هستند و نه ناشی از سنت سوسیالیستی نسل دوم.
۲. ابتدا در روند تقنینی قرار گرفته‌اند امری که به آن‌ها امکان می‌دهد تا در سال‌های آینده به عنوان حقوق بشر الزامی شناخته شوند (گروه صلح کرسی حقوق بشر و صلح، ۱۳۸۹: ۹۸).

تفاوت اساسی نسل‌های اول و دوم حقوق بشر با نسل سوم حقوق بشر در این است که محتوای نسل‌های اول و دوم در قالب اسناد الزام‌آور حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته و توانسته سندی بین‌المللی و الزام‌آور را به خود اختصاص دهد در حالی که محتوای نسل سوم هنوز نتوانسته به صورت همه‌جانبه تبیین شود و در قالب اسناد الزام‌آور در آید، از این‌رو، نسل سوم حقوق بشر، اعلامیه‌ای غیر الزام‌آور بیش نیست که در سال ۱۹۸۳ میلادی توسط مجمع عمومی تصویب شده است (گروه صلح کرسی حقوق بشر و صلح، ۱۳۸۹: ۹۲ و ۹۳).

در میان مصادیق چهارگانه‌ی حقوق همبستگی، حق بر محیط‌زیست به دلایل مختلف به ویژه وفاق نسبی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نسبت به ضرورت حفاظت از محیط‌زیست و هم‌چنین به دلیل نگرانی مشترک بشریت از پیامدهای زیان‌بار تخریب محیط‌زیست توانسته است بر مصادیق دیگر پیشی گرفته و روند ورود به اسناد بین‌المللی (به





ویژه منطقه‌ای حقوق بشری را سریع‌تر نماید (گروه صلح کرسی حقوق بشر و صلح، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

۳-۱. تعریف حق بر محیط‌زیست

در خصوص حق بر محیط‌زیست تعریف مقبول و جامعی که مورد پذیرش همگان باشد، ارائه نشده است. این مطلب براساس اختلاف‌های نظری است که در خصوص این حق وجود دارد، اکثر نوشته‌های موجود از ارائه تعریفی مشخص برای آن اجتناب نموده‌اند و یا تعاریف ارائه شده نیز مواجه با برخی مناقشات نظری است (پارسا، ۱۳۷۷: ۱۳۲).

در کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی و متون مرتبط نیز تعریفی از حق بر محیط‌زیست ذکر نشده است. با وجود این مواد (۱۴) و (۱۵) پیش‌نویس سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی تا حدودی حق بر محیط‌زیست را تبیین نموده است:

ماده ۱۴. هر انسان و کلیه‌ی انسان‌ها به صورت گروهی حق دارند از محیط‌زیست سالم و متعادل از نظر زیست محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار گردند.

ماده ۱۵. دولت‌های عضو متعهد می‌گردند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی ننمایند که به سلامت انسان و همزیستی جمعی صدمه وارد کند. صدمه‌ای که برای توسعه‌ی جمع ضروری باشد و راهی برای اجتناب از آن وجود نداشته باشد، قابل قبول محسوب می‌گردد. باید بررسی شود که مراد از حق بر محیط‌زیست چه می‌باشد و محتوای آن در بردارنده چه کیفیتی از محیط‌زیست است (فیروزی، ۱۳۸۴: ۵۲).

برای رسیدن به یک تعریف قابل قبول باید به این مطلب توجه نمود که حق بر محیط‌زیست آمیزه‌ای از دستاوردهای دو شاخه‌ی اصلی حقوق بین‌الملل یعنی حقوق محیط‌زیست و حقوق بشر می‌باشد که بدون درک درست این حقوق ارائه تعریف مشکل می‌نماید (کرسی صلح و حقوق بشر، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

به صورت ساده می‌توان حق بر محیط‌زیست را این گونه تعریف نمود: حق بر محیط‌زیست حقی است که به موجب آن برخورداری از محیط‌زیست شایسته، سالم و امن یک حق بشری محسوب می‌شود که در آن تمیزی و پاکی محیط‌زیست هم مورد حفاظت





قرار گیرد و تغییرات در محیط‌زیست به گونه‌ای نباشد که به سلامت انسان و زندگی جمعی او صدمه وارد کند.

۴-۱. اجزای حق بر محیط‌زیست

حق بر محیط‌زیست دارای اجزایی است که تشکیل‌دهنده و قوام‌دهنده‌ی حق مزبور هستند. این اجزا عبارتند از:

۱. حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی.
۲. حق مشارکت در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی.
۳. حق بر آموزش مسایل زیست محیطی.
۴. حق دادخواهی از جمله مجازات و جبران خسارات زیست محیطی (افتخار جهرمی، ۱۳۸۱: ۵۱).

۴-۱-۱. حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی

به موجب این حق کلیه‌ی مؤسسات عمومی موظفند اطلاعات مربوط به حفاظت از محیط‌زیست و اقدامات مؤثر بر آن را در اختیار شهروندان قرار دهند. شایان یادآوری است ایفای تعهدات شهروندان برای دستیابی به حق داشتن محیط‌زیست سالم هنگامی ممکن می‌گردد که از اطلاعات کافی برخوردار باشند. حق برخورداری از محیط‌زیست مانند سایر حقوق صرفاً حق برای شهروندان نبوده بلکه با الزامات و تکالیفی برای ایشان به صورت فردی و گروهی ملازمه می‌دارد (گروه صلح کرسی حقوق بشر و دموکراسی، ۱۳۸۹: ۲۹۷).

این مطلب در ماده (۱۰) اعلامیه ریودوژانیرو در خصوص محیط‌زیست و اسناد مربوط به اصول راهبردی صوفیا بلغارستان و کنوانسیون بین‌المللی در مورد حق بر اطلاعات و مشارکت عمومی در زمینه محیط‌زیست مصوب ۱۹۸۸ دانمارک، مورد تأکید قرار گرفته است (فیروزی، ۱۳۸۴: ۵۹). ماده (۱۰) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده (۶) کنوانسیون تغییر آب و هوایی نیز بر این امر تأکید دارند.





۱-۴-۲. حق مشارکت شهروندان در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی

به موجب این حق هر شخصی می‌تواند با رعایت مقررات به صورت فردی یا به همراه دیگران در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی مشارکت داشته باشد. این حق ناظر بر اصل مشارکت عمومی هم در تصمیم‌گیری‌ها و هم اجرای هنجارهای زیست محیطی است. مشارکت عمومی موجب افزایش مشروعیت تصمیمات اتخاذی و کاهش سطح تعارض و چالش میان دولت و ملت، ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری به دلیل ارائه‌ی اطلاعات عینی و مردمی به دولت و احراز منظم و واقع‌بینانه‌ی مشکلات اجتماع و علل آن‌ها و ارائه‌ی راه‌حل‌های مناسب و در نهایت هماهنگی رفتارهای دولت با اجتماع براساس بایسته‌های نظم عمومی می‌شود (Coenen, 2008: 2).

همانند حق دسترسی به اطلاعات اسناد بین‌المللی از جمله ماده (۱۰) ريو بر این حق تأکید دارند.

۱-۴-۳. حق بر آموزش‌های محیط‌زیستی

به موجب این حق دولت موظف به اتخاذ تدابیر لازم جهت ایجاد فرهنگ دوستی با طبیعت، حفاظت از آن و استفاده از فناوری‌های پاک می‌باشد. این آموزش و فرهنگ‌سازی باید در کلیه‌ی سطوح اعم از آموزش رسمی [مدرسه‌ای، دانشگاهی] و غیر رسمی [آموزش برای عموم] صورت گیرد (افتخار جهرمی، ۱۳۸۱: ۵۲).

این حق برای همگان وجود دارد که امکان آموزش مسایل زیست محیطی برای آنان مهیا شود که با استیفای این حق، دو حق دیگر یعنی حق بر مشارکت عمومی و حق دسترسی به اطلاعات تسهیل می‌شود.

۱-۴-۴. حق دادخواهی و اقامه دعوا

دادخواهی زیست محیطی یکی از اجزای طبیعی حق بر محیط‌زیست سالم است، حقی که به همه‌ی شهروندان اجازه می‌دهد نسبت به موارد تخریب یا آلودگی محیط‌زیست که موجبات خسارت و ضرر شخصی و فردی مستقیم را فراهم کرده‌اند، به جهت نفع عمومی اقامه دعوا نمایند؛ حضور نهادهای مدنی و تشکلات در عرصه‌ی مزبور جلوه‌ی بارزی از این دادخواهی است (گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی، ۱۳۸۹: ۲۹۹).





در برخی موارد این دادخواهی همراه با جبران خسارت می‌باشد که در اسناد بین‌المللی از جمله ماده (۱۰) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده (۱۰) اعلامیه ریو و برخی اسناد دیگر مورد تأکید قرار گرفته است.

۱-۵. رابطه میان حقوق بشر و محیط‌زیست

با در نظر گرفتن رابطه‌ی واقعی و قوی بین تجزیه‌ی محیط‌زیستی و تضعیف حقوق انسانی، بررسی این که چگونه این دو شاخه در درون حقوق با یکدیگر رابطه مشترکی دارند بسیار مهم است. آیا یک حق بشری برای داشتن محیط‌زیست پاک وجود دارد یا این که حقوق بشر و محیط‌زیست از طریق رژیم‌های حقوقی مختلف خوب حمایت شده‌اند؟ در ارتباط با رابطه‌ی مشترک حقوق بشر و حفاظت از محیط‌زیست سه نظریه‌ی غالب وجود دارد (کولاسوریا، ۱۳۹۰: ۷۵۲).

یک: اولین عقیده حفاظت محیط‌زیست را به عنوان یک پیش‌فرض برای بهره‌مندی از حقوق بشر می‌داند و بنابراین تعهدات حقوق بشری دولت‌ها از قبیل وظیفه‌ی تضمین سطحی از حفاظت محیط‌زیستی برای استفاده‌ی کامل از حقوق حفاظت شده را ضروری می‌داند (Fitzmaurice, 1999: 612).

دو: این دیدگاه حقوق بشر خاصی را به خصوص حق دسترسی به اطلاعات، حق مشارکت در اداره کردن امور و حق بر جبران خسارت را برای تصمیم‌گیری خوب محیط‌زیستی بسیار حیاتی می‌داند. بنابراین، این موارد حقوق بشری بایستی به منظور تضمین حفاظت محیط‌زیستی اجرا شوند (Shelton, 1991: 105).

سه: دیدگاه سوم که در حال حاضر تقریباً در نیمی از قانون اساسی کشورهای جهان به آن اشاره شده است و هم‌چنین دو سند حقوق بشری منطقه‌ای نیز به آن اشاره کرده‌اند حق برخورداری از یک محیط‌زیست سالم، پاک و به لحاظ اکولوژیکی متعادل را به عنوان یک حق مستقل بشری می‌دانند. با وجود این رویکرد اخیر توسط همه‌ی کشورها پذیرفته نشده و هم‌چنین در قالب اسناد جهانی حقوق بشری ذکر نشده است (کولاسوریا، ۱۳۹۰: ۷۵۳).



در هر حال، جنبه‌ی حقوق بشری برای حفاظت محیط‌زیستی و تحصیل توسعه پایدار حیاتی خواهد بود. گزارش سال دو هزار توسعه انسانی تصویر متفاوتی از رابطه حقوق بشر و حقوق محیط‌زیست و توسعه ارائه می‌کند. در این گزارش رابطه میان حقوق بشر و محیط‌زیست، یک رابطه‌ی درونی و دینامیک توصیف شده است. در چهارچوب این گزارش تخریب محیط‌زیست، تجاوز به حقوق انسانی تلقی شده، فقر و توسعه نیافتگی محیط‌زیست را تحت فشار قرار داده و نقض حقوق بشر را هم به دنبال آورده است و وابستگی متقابل حقوق بشر و محیط‌زیست در قالب حق بر محیط‌زیست مورد توجه قرار گرفته است (مولایی، ۱۳۸۶: ۲۷۷).

۱-۶. حقوق بشر مرتبط با محیط‌زیست

روش‌های متفاوتی برای طبقه‌بندی حقوق بشر وجود دارد. یک روش عام فهرست کردن حقوق براساس موضوع اصلی و محوری هم‌چون حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. حقوق مدنی و سیاسی شامل حق به زندگی و حیات، حق برخورداری از حریم خصوصی و زندگی خانوادگی، حق برابری و عدم تبعیض است که همه‌ی این موارد ممکن است به وسیله شرایط محیط‌زیستی تحت تأثیر قرار بگیرد.

حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی هم یک معیار حداقلی را برای زندگی و رفاه وضع کرده‌اند. اجرای این حقوق و رای از سطح نیازهای اساسی به طور مشخصی وابسته به سطح توسعه‌ی اقتصادی است که هر کشور به دست آورده است. حق بر سلامتی، حق بر غذا و آب و حق برخورداری از یک استاندارد مناسب زندگی و سایلی برای حفاظت بیشتر از محیط‌زیست هستند، در حالی که تجزیه‌ی محیط‌زیستی مانع تحقق کامل این حقوق می‌گردد.

از دیدگاه دیگر حقوق بشری، حقوق بشر به دو دسته حقوق اساسی بشر و حقوق رویه‌ای تقسیم می‌شود. حقوق اساسی زیر می‌توانند تحت تأثیر تجزیه‌ی محیط‌زیستی قرار بگیرند (کولاسوریا، ۱۳۹۰: ۷۵۳).

۱. حق بر حیات به عنوان اساسی‌ترین حق بشر در قلمرو گسترده‌اش مشتمل بر حق بر سلامتی و رفاه نیز می‌شود.





۲. حق احترام به حریم خصوصی افراد و زندگی خانوادگی و داشتن خانه که به طور موفقیت آمیزی در مقابله با آلودگی شدید درخواست شده است و در درون نظام حقوق بشر اروپایی مطرح شده است.

۳. حق بر استفاده و بهره‌مندی از مالکیت.

۴. حق برخورداری از یک محیط زیست شایسته که به طور واضح توسط دو معاهده حقوق بشری منطقه‌ای یعنی منشور آفریقایی بانجول در مورد حقوق مردمان و بشر، و پروتکل سان‌سالوادور به نام کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته است.

۵. حق تعیین سرنوشت.

۶. حق بیان فرهنگی و حق داشتن مذهب (کولاسوریا، ۱۳۹۰: ۷۵۵).

حقوق رویه‌ای مکمل حقوق اساسی بشر است و شامل موارد ذیل است:

۱. حق داشتن اطلاعات.

۲. حق مشارکت.

۳. حق بر حمایت برابر و آزادی از تبعیض.

۴. حق بر جبران خسارت.

۲. حق بر محیط زیست از منظر اسلام

در تعالیم اسلام با بررسی آیات و روایات و سیره اهل بیت (علیهم السلام) روشن می‌شود که محیط زیست به عنوان یکی از مباحث حیاتی مورد توجه قرار گرفته است. اسلام یکی از نیازهای اساسی بشر را در پیوند با محیط زیست و در محیط زیست لحاظ نموده است. انسان در دامن طبیعت متولد می‌شود، در آن رشد می‌کند و به طبیعت نیازمند است. از طرف دیگر، طبیعت هم به گونه‌ای خلق شده است که در خدمت انسان باشد و نیازهای او را برطرف نماید.



در قرآن کریم هم سوره‌های زیادی با یکی از عناصر طبیعت نام گذاری شده‌اند، نظیر سوره‌های مبارکه‌ی بقره، رعد، نحل، نور، عنکبوت، نجم، حجر، شمس، حدید، لیل، قمر، تین، ناس.

پایان بخش تحقیق حقوق اسلام و دین

خداوند سبحان طبیعت و محیط‌زیست را در تسخیر انسان قرار داده است. بر این اساس که هر یک از موجودات، خاصیت و اثر ویژه خود را دارند، اگر انسان آن خاصیت را شناخت و آن را درست تنظیم و رهبری کرد، در حقیقت آن موجود را تسخیر کرده است و البته خداوند سبحان است که جهان طبیعت را مسخر انسان قرار داده است: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»^۱

خداوند متعال به آسمان و زمین دستور داد تا از امام و انسان کامل پیروی نمایند یعنی انسانی که امین و امانت‌دار الهی باشد و سالک سیل الهی باشد و در امانت الهی خیانت نکند. همین انسان آزاد نیست تا در طبیعت هر گونه که می‌خواهد رفتار کند (جoadی آملی، ۱۳۹۳: ۱۶۷).

انسان در برابر خداوند و تمامی هستی و آفرینش مسؤول است و با صلح و آرامش در کنار محیط‌زیست به عنوان یک حق بشری که در دهه‌های اخیر مطرح شده حق انسان‌ها را در داشتن محیط‌زیستی سالم و امن مطرح نموده و این حق در تعالیم اسلامی هم مورد توجه بوده است. در متون دینی تأکید شده انسان به عنوان اشرف مخلوقات و جانشین خداوند بر روی زمین حق استفاده از نعمت‌های الهی را دارد اما این استفاده نباید به گونه‌ای باشد که حق دیگران در بهره‌برداری از این نعمت الهی در معرض خطر قرار گیرد و یا موجب تضییع حق نسل‌های آینده گردد.

در این نوشتار ضمن تشریح جامعیت و جهان‌شمولی اسلام، با استناد به آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) به این موضوع می‌پردازیم و از جهت فقهی آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم.



۱. «آیا ندیدی که خدا آن چه را که در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما ساخته است؟» در: سوره مبارکه لقمان، آیه

۱-۲. جهان‌شمولی و جامعیت مکتب اسلام



اسلام مکتبی جامع و جهان‌شمول است که همه‌ی انسان‌ها را در همه‌ی اعصار مخاطب قرار داده و کلیه‌ی موضوعات را مورد توجه قرار داده است تا نیازهای حقیقی و راستین جوامع بشری را تأمین نماید و از این طریق سعادت ابناء بشری را محقق کند. اسلام مدعی پاسخ‌گویی به نیازهای متغیر انسان در هر دورانی است و قوانینی بر این روابط و شؤون وضع نموده است. البته این به آن معنا نیست که برای هر موضوع یا عنوان خاص و متداول امروزی حکم خاصی را مقرر داشته باشد، بلکه کلیات و قواعدی در اسلام وجود دارد که می‌توان حکم هر موضوع را از آن به دست آورد. یکی از همین موضوعات محیط‌زیست است، محیط‌زیست با مفهوم رایج و متداول آن در عصر حاضر، بحثی کاملاً نو و تازه است (گرچی، ۱۳۶۳: ۱۱۵).

اما قرآن کریم و تعالیم معصومین (علیهم‌السلام) به ابعاد مختلف حقوق محیط‌زیست و حتی محوریت یافتن انسان در ارتباط با محیط‌زیست در قالب حق بر محیط‌زیست پرداخته است و در این راستا بر حفاظت از محیط‌زیست و عدم تخریب آن تأکید کرده است. قرآن کریم تبیان برای هر چیزی می‌باشد یعنی بیان کامل هر چیز در قرآن آمده است «...وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ...»^۱.

امام صادق (علیه‌السلام) نیز بر جامعیت و جهان‌شمولی اسلام تأکید نموده و می‌فرمایند «خداوند در قرآن کریم هر چیزی را بیان فرموده است. به خدا سوگند چیزی را که مورد نیاز مردم بوده، رها نکرده است، تا کسی نگوید اگر فلان مطلب درست بود در قرآن نازل می‌شد. آگاه باشید خداوند همه‌ی نیازهای بشر را در آن نازل کرده است» (کلینی، ۱۴۱۱: ۱۱۳).

به رغم این که بر طبق ادله نقلی بیان هر امری در قرآن کریم هست ولی با توجه به این مطلب که قرآن یک کتاب تربیتی و انسان‌سازی است که برای تکامل فرد و جامعه در



۱. «کتابی به سوی تو فرستادیم که بیان کامل هر چیزی است»؛ در: سوره مبارکه نحل، آیه شریفه، ۸۹.



همه‌ی جنبه‌های معنوی و مادی نازل شده است، روشن می‌شود که منظور از همه چیز تمام اموری است که برای هدایت انسان ضروری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۳۶۱).

۲-۲. جلوه‌های زیست محیطی در قرآن کریم

در قرآن کریم آیات بی‌شماری اختصاص به محیط‌زیست دارد. قرآن کریم تنها به نگاه ظاهری در خصوص طبیعت نمی‌پردازد بلکه ضمن بیان اصول و جزئیات نحوه‌ی ارتباط انسان با محیط‌زیست و طبیعت، چگونگی بهره‌برداری و تعامل با آن را معین می‌نماید. قرآن کریم می‌خواهد نحوه‌ی نگرش انسان به طبیعت را تنظیم نموده و در مجرای صحیح قرار دهد تا از طبیعت بهترین بهره برای انسان‌ها حاصل شود.

در بینش قرآنی انسان خلیفه خداوند است که طبیعت به عنوان امانت الهی نزد او به ودیعه گذاشته شده تا از آن به نحو احسن استفاده نماید و طبیعت را در معرض تخریب و تباهی قرار ندهد. در قرآن کریم بیش از ۲۳ مورد به مقوله‌ی تسخیر طبیعت و منابع آن و ۱۸ مورد به احیای طبیعت پرداخته شده است و ۴۱ مورد لفظ بحر و مانند آن، ۳۹ مورد الفاظ جبل و جبال، ۲۷ مورد شجر، ۹ مورد نهر و انهار، ۱۲ مورد دابّه و دواب، بیش از ۴۸۵ مورد لفظ زمین، ۳۱۰ مورد لفظ سما و ۳۳ مورد لفظ شمس به کار رفته است (حدادی، ۱۳۸۸: ۵۶).

خداوند سبحان در قرآن کریم در موارد متعدد مانند سوره‌های تین، فجر، نجم، طور، ضحی، ذاریات، عادیات، شمس و لیل به جلوه‌های گوناگون طبیعت سوگند یاد کرده است.

در قرآن کریم آیات با نام عناصر محیط‌زیست نام‌گذاری شده است. مانند: بقره، نمل، لیل، نساء، رعد، عنکبوت، فجر، ضحی، نحل، دخان، شمس، قمر، بروج، نور، نجم، حدید، تین و برخی اسامی دیگر که مبین عناصر محیط‌زیست هستند.

برخی دیگر از جلوه‌های قرآنی محیط‌زیست به صورت اختصار به قرار ذیل است:

- مالک اصلی همه چیز خدا است نه انسان [آیه ۱۲۶ سوره نساء].

- نعمت‌ها برای آزمایش انسان است [آیه ۱۶۵ سوره انعام و آیه ۱۳۰ سوره اعراف].





- طبیعت به مثابه‌ی نشانه‌ها و آیه‌هایی از سوی پروردگار می‌باشد [آیه ۱۰۱ سوره یونس، آیه ۵۳ سوره فصلت، آیه ۹ سوره سبأ، آیه ۴۴ سوره عنکبوت، آیه ۵ سوره جاثیه].
- قوانینی که رعایت آن‌ها مرحله‌ای از حفاظت محیط‌زیست به شمار می‌آیند [آیات ۱۶۸ و ۱۹۵ سوره بقره، آیات ۹۰ تا ۹۳ سوره نحل، آیه ۳ سوره حج، آیه ۸۱ سوره طه، آیه ۱۳۵ سوره نساء و آیه ۲۶ سوره اسراء].
- موزون بودن عالم و این که جهان خلقت براساس توازن بنا شده است [آیه ۱۹ سوره حجر].

- در آیات متعدد قرآن کریم انسان به توجه به سوی طبیعت دعوت شده است تا در نعمت‌های الهی تدبیر نماید [آیه ۱۰۱ سوره یونس، آیات ۳، ۴ و ۱۳ سوره جاثیه، آیه ۹۹ سوره انعام و آیه ۳۳ سوره یس].

- آیاتی که به رعایت میزان و مقدار معین استفاده از محیط‌زیست می‌پردازد که تجاوز از این میزان را موجب تخریب محیط‌زیست و برهم خوردن تعادل محیط‌زیست می‌داند [آیه ۸ سوره رعد، آیه ۳ سوره اعلی، آیه ۲ سوره فرقان، آیه ۴۹ سوره قمر، آیه ۲۱ سوره حجر و آیه ۷۰ سوره حج].

۲-۳. تسخیر طبیعت برای انسان

براساس آموزه‌های قرآن کریم طبیعت در تسخیر انسان است. در قرآن کریم آیات فراوانی از تسخیر موجودات طبیعی برای انسان حکایت دارد. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند نهرها را مسخر شما ساخت» [ابراهیم، ۳۲] و «کشتی را مسخر شما ساخت» [ابراهیم، ۳۳] و «شب و روز را برای شما تسخیر کرد» [نحل، ۱۲] «خورشید و ماه را مسخر شما ساخت» [ابراهیم، ۳۳] «دریا را به تسخیر شما در آورد تا از گوشت تازه‌ی آن استفاده نمایید» [نحل، ۱۴] قرآن کریم در آیاتی بر تسخیر همه موجودات در زمین تأکید دارد «آیا نمی‌بینی خداوند همه‌ی آن چه را روی زمین است مسخر شما ساخت» [حج، ۶۵] و در نهایت خداوند از تسخیر هر آن چه در آسمان و زمین است برای انسان خبر می‌دهد «خداوند آن چه در آسمان و زمین است مسخر شما ساخت» [جاثیه، ۱۳].





برخی از مفسران بر این باورند همه‌ی موجودات مسخر فرمان خدا در طریق سود انسان‌ها هستند خواه مسخر فرمان انسان باشند یا نه و به این ترتیب حرف «لام» در «لکم» به اصطلاح لام منفعت است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲: ۶۴). برخی دیگر در ذیل آیه شریفه «الْمُ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» بر این باورند که «لام» در «لکم» برای تعلیل غایی است یعنی هدف از تسخیر، بهره‌وری انسان از آسمان‌ها و زمین است (علامه طباطبائی، ۱۴۰۵: ۲۲۹). «لام» را برای منفعت یا غایت بدانیم؛ در هر حال تسخیر طبیعت برای نوع انسان در طول حیات پیش‌بینی شده است و این امر بیانگر این واقعیت مهم است که استفاده از آسمان، زمین و موجودات آن حق همه‌ی انسان‌ها است و هر گونه تصرف و بهره‌وری از طبیعت نباید با حق انتفاع دیگری منافات داشته باشد. محیط‌زیست طبیعی در تسخیر آدمی است تا با تکیه بر حق تسخیر از موجودات بهره‌مند شود ولی بهره‌گیری‌ای که موجب از بین رفتن گونه‌های مختلف موجودات زنده گردد و بشر آینده را از این موجودات محروم نماید، کفران نعمت الهی است و از مصادیق قطعی سوءاستفاده از حق به شمار می‌رود.

یکی از جلوه‌های تسخیر موجودات، آسمان‌ها و زمین برای انسان، تسخیر علمی آن‌ها است یعنی آدمی از چنان ظرفیتی برخوردار است که می‌تواند سنت‌ها و قوانین حاکم بر موجودات طبیعی را شناسایی کند و نسبت به توسعه‌ی حیات موجودات زنده با روش‌های علمی اقدام نماید. متأسفانه بشر با سوءاستفاده از ظرفیت علمی خود با ساخت و به کارگیری بمب‌های اتمی و شیمیایی و استفاده از سلاح‌های مخرب به حیات زیستی و ساختمان آفرینشی موجودات زنده به شدت آسیب می‌رساند. این نحوه رفتار با موجودات زنده با هدف تسخیر موجودات برای انسان منافات دارد. امام علی (علیه السلام) به کارگیری استعداد تسخیرکنندگی را براساس پارسایی دانسته است که باید حقوق محل زیست و موجودات زنده آن را رعایت نمود «قال علی (علیه السلام): اتقوا الله فی عباده و بلاده فانکم مسؤولون حتی عن البقاع و البهائم» (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۳۸۲).

قرآن کریم ضمن شناسایی حق تسخیر دریا، نهرها، خورشید، ماه، شب و روز برای انسان و یادآوری تکثر و تنوع نعمت‌های خویش که غیر قابل شمارش هستند، انسان را





موجودی ستمگر و ناسپاس معرفی می‌کند [ابراهیم: آیه ۳۴]. این توصیف از تعدی انسان به منابع نعمت‌های طبیعی و استفاده‌ی نادرست استعداد تسخیر طبیعت از نادیده گرفتن سنت‌های الهی در تسخیر طبیعت حکایت دارد. بدون تردید تصرفی که ستمگرانه و همراه با ناسپاسی باشد از مصادیق برجسته‌ی منکر تلقی است، زیرا تعالیم اسلامی برای تجاوز و تعدی به نعمت طبیعت واژه «منکر» را به کار می‌برد همان گونه که برای عمران و آبادانی زمین، حفظ و توسعه محیط‌زیست واژه «معروف» را به کار می‌برد.

۲-۴. محیط‌زیست حق همه انسان‌ها

دسته‌ای از آیات قرآن کریم در مقام بیان این امر هستند که خداوند محیط‌زیست را برای انسان آفریده است و انسان حق تصرف و استفاده از آن را دارد و این حق برای همه‌ی انسان‌ها در همه‌ی زمان‌ها وجود دارد (فیروزی، ۱۳۸۴: ۷).

خداوند در آیه ۲۵ سوره بقره می‌فرماید «و اوست آن [آفریننده‌ای] که همه آن چه در زمین است برای شما آفرید». در این آیه شریفه بهره‌برداری از منابع و منافع زمین را متعلق به همه‌ی انسان‌ها و در همه‌ی اعصار می‌داند که باید به طور اصولی و صحیح در جهت رفع نیازها و رعایت حقوق سایر انسان‌ها در همه‌ی دوره‌ها صورت پذیرد.

در آیه شریفه ۱۰ سوره الرحمن آمده است «و خداوند زمین را برای همگان قرار داد». بر مبنای این آیه اخیر زمین و محیط‌زیست آن، حقی همگانی است که همه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند، بنابراین استفاده از این حق باید به گونه‌ای باشد که امکان استفاده و بهره‌برداری از آن برای نسل حاضر و نسل‌های آینده حفظ شود.

۲-۵. محیط‌زیست امانتی الهی در دست انسان

از آنجا که طبیعت و مواهب آن از سوی خداوند متعال به صورت امانت در اختیار انسان قرار داده شده است وی نمی‌تواند در امانت محیط‌زیست تصرفی نماید که مخالف رضایت صاحب امانت باشد.

به عبارت دیگر زمین، آب، آسمان و همه‌ی طبیعت ودیعه‌ای الهی است که به دست انسان سپرده شده و برای استفاده‌ی متعادل از آن‌ها پدید آمده‌اند، از این‌رو انسان مسؤول



حفظ طبیعت می‌باشد و باید در عمران و آبادانی آن کوشا باشد و از تخریب و فساد آن ممانعت به عمل آورد (نصر، ۱۳۸۲: ۲۰۴).

۲-۶. ممنوعیت تجاوز و تعدی به محیط زیست

قرآن کریم از تعادل محیط زیست با واژه «موزون» یاد می‌کند زیرا می‌فرماید: «و زمین را گسترديم و در آن کوه‌های استوار بر نهاديم و در آن از هر چیز متناسب و موزون رویاندیم...».

بدیهی است هر گونه تصرف در طبیعت که تناسب و توازن عناصر و موجودات طبیعت را بر هم زند افساد در زمین است. قرآن کریم تخریب محیط زیست را فساد در زمین می‌داند لذا می‌فرماید: «در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید» [اعراف، ۸۵].

رعایت تعادل محیط زیست و اصلاح در زمین از مصادیق برجسته‌ی عهد و میثاق خداوند با آدمی است که نادیده گرفتن آن موجب خسران می‌باشد. قرآن کریم تجاوز به حریم طبیعت و ضایع ساختن و تخریب منابع زیستی را اعتداء دانسته است چنان که می‌فرماید: «منابع پاکیزه‌ای که خداوند در اختیار شما قرار داده است را ضایع نکنید و از حدود خویش تجاوز نکنید چرا که متجاوزین مشمول محبت خداوند نخواهند بود» [مائده، ۸۶] برخی از محققان از این آیه شریفه نتیجه گرفته‌اند که از نظر قرآن، بشری که از طریق فساد و تباهی و تجاوز از حدود مرزها، پیمان الهی را بشکند و رابطه با خدا را از هم بگسلد و تعادل میان محیط و محاط را بر هم زند از مشمول رحمت، محبت و رأفت الهی دور می‌گردد (محقق داماد، ۱۳۷۱: ۲۷۹). از تعالیم اسلام فهمیده می‌شود که تجاوز به حریم طبیعت و منابع زیستی آن گناه و جرمی است که خشم و غضب خداوند و سقوط انسان را به همراه دارد لذا می‌توان مجازات متناسب برای تخریب طبیعت را با استناد به قواعد کیفری اسلامی شناسایی و مقرر نمود.

۲-۷. قواعد فقهی مرتبط با حق بر محیط زیست

در این خصوص قواعد متعددی ذکر شده که در این نوشتار به سه قاعده مهم لاضرر، اتلاف و تسبیب می‌پردازیم.



۲-۷-۱. قاعده لاضرر

براساس قاعده لاضرر، احکام موضوعه نباید به ضرر و ضرار منجر گردد. ضرر و زیان عبارت است از نقص بر جان، مال، حیثیت یا حقی از حقوق انسان که به طور مستقیم یا غیر مستقیم وارد آید و سبب دشواری و زیان بر او گردد.

در خصوص تفسیر معنای «لا» در عبارت «لاضرر ولا ضرار فی الاسلام» دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. از جمله این که «لا» برای نفی جنس است یا این که مراد از «لاضرر ولا ضرار»، نفی حکم ضرری است یعنی «لاحکم ضرری فی الاسلام» و موارد دیگری نیز ذکر شده که مجال طرح آن در این نوشتار نیست. اما در خصوص موضوع بحث ما [حق بر محیط زیست]، قدر متیقن این است که براساس همه‌ی مبانی موجود در مفاد «لاضرر ولا ضرار» این موضوع در قلمرو قاعده قرار دارد. قاعده لاضرر در تعالیم اسلام از قلمرو بسیار وسیع و گسترده‌ای برخوردار است و تمام زوایای زندگی بشر را در بر می‌گیرد. بدون هیچ تردیدی تخریب محیط زیست و آسیب رساندن به زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها از جمله موارد ضرر است؛ به این معنا که انسان نمی‌تواند به دلیل بهره‌برداری افراطی از طبیعت به دیگران ضرر و زیان وارد کند. اگر بهره‌برداری و استفاده بی‌رویه از طبیعت موجب ضرر به خود و یا اضرار به دیگران گردد، از نظر اسلام مردود است، به سبب این که در اسلام «ضرر و ضرار» وجود ندارد.

خاستگاه این قاعده مهم فقهی، عقل و سیره عقلا است و در کتاب و سنت بر آن تأکید شده است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲۹) اضرار وارد بر محیط زیست، از سنخ ضررهای عمومی است که حیات نوع بشر را در معرض آسیب جدی قرار می‌دهند.

یکی از نکات مورد بحث پیرامون قاعده لاضرر، شمول این قاعده بر عدمیات است. بدین معنا که هرگاه از فقدان یک امر وجودی ضرر پدید آید می‌توان با تمسک به این قاعده آن ضرر را منتفی کرد (سیستانی، ۱۴۱۴: ۲۹۰) از این رو، قاعده لاضرر نه تنها خسارت‌های ناشی از اقدام‌های تخریبی را بر می‌دارد بلکه ترک اقدام‌های اصلاحی و سازنده اگر به اضرار در محیط زیست منجر شود، این قاعده با آن مقابله خواهد کرد. در نتیجه قاعده لاضرر نه تنها مانع از اضرار به محیط زیست می‌شود بلکه ضمان خسارت‌های ناشی از هر گونه ترک اقدام اصلاحی را هم برعهده خسارت‌زننده قرار می‌دهد.





۲-۷-۲. قاعده اتلاف

براساس این قاعده هر کس به تخریب و اتلاف اموال دیگران، اعم از اموال خصوصی و عمومی اقدام کند، مسؤول جبران خسارت است. فقهای عظام تأکید نموده‌اند عنصر عمد و قصد در صدق معنای اتلاف دخیل نیست و اگر منشأ اتلاف اقدام غیرآگاهانه و اشتباهی هم باشد، مشمول قاعده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۷).

البته هر گونه اتلاف عمدی و آگاهانه موجب پیگرد قانونی و ثبوت مجازات تعزیری برای متخلف است. از آن جا که موضوع قاعده اتلاف مال غیر می‌باشد، شایسته است در خصوص مالیت و مالکیت منابع محیط‌زیست مطلبی بیان شود. فقیهان هر آن چه را که برای تأمین نیازمندی‌های مردم مطلوب باشد و در امر معاش آن‌ها دخیل شود مال نامیده‌اند و این تعریف بر همه عناصر محیط‌زیست، حتی خاک و هوای موجود صدق می‌کند (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۳۰).

اگر چه براساس حق بر محیط‌زیست، محیط‌زیست یک حق بشری محسوب می‌شود ولی این مطلب به این معنا نیست که حق اتلاف و تخریب محیط‌زیست را هم داشته باشد بلکه باید از محیط‌زیست به عنوان یک امانت الهی حفاظت و حمایت به عمل آورد. نظریه اتلاف می‌تواند در مصادیق زیست محیطی و جبران خسارت وارده بر آن نقش مناسب و پررنگی ایفا نماید. بر این اساس، هر کس محیط‌زیست را تخریب نماید در برابر آن ضامن است، از جمله در مواردی که محیط‌زیست متعلق به مردم باشد [مشرکات عمومی و انفال] چون در اتلاف، قصد شرط نیست، بر این اساس مبنای مطلوب و ساده‌تری برای عاملین خسارت به محیط‌زیست می‌باشد (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۳: ۸۹).

۲-۷-۳. قاعده تسبیب

براساس قاعده تسبیب هر اقدامی که به طور غیر مباشر موجب تخریب و آلودگی عناصر محیط‌زیست شود ضمان‌آور خواهد بود. نکته قابل توجه این که قاعده نقش‌های تسبیبی ناشی از ترک فعل را هم در بر می‌گیرد (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۱۲۰) سبب چیزی است که از وجودش وجود دیگری لازم نیاید ولی از عدمش عدم دیگری لازم می‌آید.

تفاوت میان اتلاف و تسبیب این است که اولاً، در اتلاف مستقیماً یا مباشرتاً خسارت متوجه زیان دیده می‌شود. ثانیاً، در اتلاف همیشه انجام یک فعل باعث ایجاد خسارت می‌شود یعنی ترک فعل از مصادیق اتلاف نیست اما در تسبیب هم فعل و هم ترک فعل





موجب مسؤولیت است. ثالثاً، در تسبیب تعدی و تفریط هم لازم است اما در اتلاف تعدی شرط نیست.

براساس قاعده تسبیب اگر عدم اقدام به موقع اشخاص یا نهادهای مسؤول سبب خسارت‌های زیست محیطی و از بین رفتن ذخایر محیط‌زیست شود به حکم این قاعده، مسؤولیت جبران خسارت برعهده مسبب خواهد بود.

در تعالیم اسلامی براساس قاعده تسبیب، شخصی که از طبیعت به عنوان حق انسانی بهره‌مند می‌گردد، حق ندارد به واسطه‌ی فعل یا ترک فعل خود سبب خسارت به طبیعت شود. هر چند، این نظریه برای جبران کامل، سریع و مناسب خسارات حوزه محیط‌زیست مناسب نیست، چرا که در غالب موارد مرتبط با خسارات زیست محیطی اثبات رابطه سببیت با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو خواهد شد (فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۳: ۸۹).

نتیجه‌گیری

بهترین چاره‌اندیشی پیرامون در معرض تخریب قرار گرفتن محیط‌زیست منتسب دانستن طبیعت به انسان بود که به شکل‌گیری حق بر محیط‌زیست در قالب حقوق همبستگی منجر شد. با شکل‌گیری حق بر محیط‌زیست، نگاه جدیدی به محیط‌زیست شکل گرفت.

براساس این نگاه جدید، حق بر محیط‌زیست در زمره نسل سوم حقوق بشر مورد توجه خاص قرار گرفت. حیات و حمایت از حق حیات، بدون محیط‌زیست امن، پاکیزه و سالم ممکن نیست. از این رو، می‌توان گفت حق بر محیط‌زیست مقدمه و اساس برای سایر مصادیق حقوق بشر می‌باشد، چون بهره‌مندی انسان از این حقوق متوقف بر فرض برخورداری از حداقل سلامتی و تندرستی است، پس حق برخورداری از محیط‌زیست سالم را می‌توان از حقوق بنیادین دانست.

اسلام به عنوان یک مکتب جامع و انسان‌ساز، توجه ویژه‌ای به محیط‌زیست داشته و انسان را خلیفه الهی می‌شناسد و او را مسلط بر طبیعت می‌داند. اما انسان که خلیفه الهی بر زمین است حق ندارد مرتکب تعدی و تفریط شود. نگرش انسان به محیط‌زیست باید به عنوان امانت الهی باشد که ضمن بهره‌برداری از محیط‌زیست، در حفاظت از آن کوشا باشد تا این امانت الهی را به سلامت به نسل‌های آینده تحویل دهد.



اسلام توجه به طبیعت را با محوریت انسان و مسخر بودن طبیعت برای انسان لحاظ نموده است. براساس این نگرش حق بر محیط زیست از منظر اسلام شناسایی شده است.

منابع

فصلنامه پژوهش حقوق اسلام و فقه

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
۱. افتخار جهرمی، گودرز، ۱۳۸۲ش، حق بر محیط زیست با تأکید بر حق دسترسی بر اطلاعات زیست محیطی، تهران، نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران، بی جا.
۲. امیرارجمند، اردشیر، ۱۳۷۴ش، حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۵.
۳. بجنوردی، محمدحسن، ۱۴۱۹ق، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، بی جا.
۴. پارسا، علی رضا، ۱۳۷۷ش، محیط زیست و حقوق بشر، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۳۵-۱۳۶.
۵. پورهاشمی، سیدعباس و بهاره ارغند، ۱۳۹۲ش، حقوق بین الملل محیط زیست، تهران، نشر دادگستر، بی جا.
۶. تقی زاده انصاری، مصطفی، ۱۳۸۴ش، حقوق محیط زیست در ایران، تهران، انتشارات سمت، بی جا.
۷. تقی زاده انصاری، مصطفی، ۱۳۹۳ش، حقوق بین الملل محیط زیست، تهران، انتشارات خرسندی، بی جا.
۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۳ش، اسلام و محیط زیست، قم، انتشارات اسراء، بی جا.
۹. حبیبی، محمدحسن، ۱۳۸۲ش، حق برخورداری از محیط زیست سالم به عنوان حق بشریت، تهران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۶۰.
۱۰. حدادی، محسن، ۱۳۸۸ش، مبانی حفاظت از محیط زیست در اسلام، تهران، ماهنامه علمی تخصصی اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۱۲.
۱۱. حسینی سیستانی، سیدعلی، ۱۴۱۴ق، قاعده لاضرر ولاضرار، قم، مکتبه آیت الله سیستانی، بی جا.





۱۲. ذاکریان، مهدی، ۱۳۸۱ش، حقوق بشر در هزاره جدید، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، بی‌چا.

۱۳. سیدفاطمی، سیدقاری، ۱۳۸۸ش، حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر یکم، تهران، شهر دانش، بی‌چا.

۱۴. طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۰۵ق، تفسیر المیزان، بی‌چا، ج ۱۶.

۱۵. فهیمی، عزیزالله و مشهدی، علی، ۱۳۹۳ش، اندیشه‌های حقوق محیط‌زیست، قم، انتشارات دانشگاه قم، ج ۱.

۱۶. فیروزی، مهدی، ۱۳۸۴ش، حق بر محیط‌زیست، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی، بی‌چا.

۱۷. کولاسوریا، لاکورو، ۱۳۹۰ش، مبانی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، ترجمه: سیدمحمد مهدی حسینی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، بی‌چا.

۱۸. گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۶۳ش، اسلام و محیط‌زیست، قم، مجله نور علم، ش ۴.

۱۹. گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹ش، حقوق زیست محیطی بشر، تهران، نشر دادگستر، بی‌چا.

۲۰. محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۷۱ش، طبیعت و محیط‌زیست انسان از دیدگاه اسلام، مجله رهنمون، ش ۲ و ۳.

۲۱. _____، ۱۳۸۱ش، قواعد فقه: بخش مدنی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، بی‌چا، ج ۹.

۲۲. _____، ۱۳۹۳ش، الهیات محیط‌زیست، تهران، انتشارات مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، بی‌چا.

۲۳. مشهدی، علی، ۱۳۹۲ش، حق بر محیط‌زیست سالم، تهران، بنیاد حقوقی میزان، بی‌چا.

۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۶۲ش، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌چا، ج ۱۷.

۲۵. _____، ۱۳۷۹ش، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌چا.

۲۶. _____، ۱۴۱۱ق، القواعد الفقهیه، قم، مدرسه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، بی‌چا، ج ۱۱.



۲۷. موسوی، سیدفضل‌اله، ۱۳۸۰ش، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تهران، نشر میزان، بی‌چا.
۲۸. _____، ۱۳۸۵ش، سیر تحولات منابع حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، تهران، نشر میزان، بی‌چا.
۲۹. مولایی، یوسف، ۱۳۸۶ش، نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط‌زیست سالم، تهران، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۷، ش ۴.
۳۰. نصر، حسین، ۱۳۸۲ش، نیاز به علم مقدس، ترجمه: حسن میان‌داری، قم، مؤسسه فرهنگی طه، بی‌چا.

31. Birnie, patricia, and Boyle, Alane(1993), International Law and Environment, Clarendon Pves, oxford.
32. Boyd, David R(2013), The Right to a Healthy Environment, Washington Press.
33. Coenen, Frans(2008), Public Participation and Better Environmental Decisions, Netherland.
34. Fitzmaurice, Malgosia(1999), The Right of the Child to Clean Environ ment Illinois university Law Journal.
35. Freeman, Mark and Vanert, Gib(2004), International Human Rights Law, Irvin Law Canada.
36. Gormely w, Paul(1988), The Right to a safe and Decent Environment, The Indian journal of Inteunational Law.
37. Hajjar, Linda(2010), Leib, Human Rights and The Environment, Brill.
38. Kravchenko, Svitlana, Bonine, John E(2008), Haman Rithts and The Environment, Carolina Academic Press.
39. Macklem, Patrick(2014), Human Rights in International Law: Three Generations or one? University of Torento.
40. okonmah, P. D(1997), Right to Aclean Environment Journal of African Law.
41. Priyam, Manisha(2009), Human Rights, Gender and The Environment, Mombi.
42. Ruppel, Oliverc(2009), Third – Generation Human Rights and Protection of the Environment In Namibia, South Africa.
43. Shelton, Danish(1991), Haman Rights, Environmental Rights and Right to Environmental, Stanford Journal Of International Law.

